

هم سنجی تمایز یافتگی خود، روان بنه‌های ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک شده زنان دارای همسر و زنان جدا شده

The comparison of self-differentiation, early maladaptive schema, and the perceived social support in the married women, and the separated spouses

Nasireh Moghadam Far

Mahdihyeh Zokaie Ashtiyani

نصیره مقدم فر*

مهديه ذكايي آشتياني**

Abstract

The consequences of individual, family and social harm resulting from the separation of women in society are very significant. The present study was conducted to compare self-differentiation, early maladaptive schema and perceived social support of the married and separated women. This was a causal-comparative research and the statistical population consisted of the married and separated women of District 2 of Gorgan, Iran in autumn 2016, of whom, 100 (50 separated and 50 married women) were selected as the sample using the non-probability sampling method with an element of judgment. Data were collected using the Young' early maladaptive schema questionnaire 1998, the multidimensional scale of perceived social support Zimet, Dahlem, Zimet, and Farley 1988, and the Skowron and Friedlander' self-differentiation inventory 1998. In general, six questionnaires were incompletely answered by subjects and 11 cases were excluded due to normalization of data. Data were analyzed by multivariate analysis of variance analysis. The results showed that there was a significant difference between the two groups of perceived social support ($P < 0.039$, $F = 402.4$) and there was no difference between two groups of separated and married women in terms of self-differentiation ($P < 0.338$, $F = 0.079$) and early maladaptive schema ($P < 0.079$, $F = 3.157$). Research findings show that after separation, women encounter with some problems in understanding of the perceived social supports, emotional reactivity, and also in the cognitive domain, in some of the early maladaptive schema compared to the married women.

Key words: *differentiation, women, social support, schema, separation*

چکیده

پیامدهای آسیب فردی، خانوادگی و اجتماعی برآمده از جدایی زنان از همسر در جامعه بسیار چشمگیر است، پژوهش حاضر با هدف هم سنجی تمایز یافتگی، روان بنه‌های ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک شده زنان دارای همسر و زنان جدا شده انجام شد. روش پژوهش علی مقایسه‌ای و جامعه آماری زنان متأهل و جدا شده منطقه دو شهر گرگان در پاییز ۱۳۹۵ بود؛ شمار ۱۰۰ نفر از آن‌ها (۵۰ نفر جدا شده و ۵۰ نفر متأهل) به روش غیر تصادفی هدفمند از نوع قضاوتی به‌عنوان نمونه‌گزینش شدند. داده‌ها با ابزارهای روان بنه یانگ (۱۹۹۸) حمایت اجتماعی ادراک شده زیمیت، داهلم، زیمیت و فاردل (۱۹۸۸) و تمایز یافتگی خود اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) گردآوری شد. داده‌ها با به‌کارگیری آزمون تحلیل واریانس چند متغیره تحلیل شد. برآیندها نشان داد تفاوت حمایت اجتماعی ادراک شده دو گروه معنی‌دار است ولی تفاوت معنی‌داری در تمایز یافتگی خود ($F=۴۰۲/۴, P<۰/۰۳۹$) و روان بنه‌های ناسازگار نخستین ($F=۰/۰۷۹, P<۰/۳۳۸$) وجود نداشت. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که زنان جدا شده در هم سنجی با زنان متأهل در حمایت‌های اجتماعی ادراک شده، واکنش‌پذیری هیجانی و همچنین در برخی طرح‌واره‌های ناسازگار نخستین دچار مشکلاتی می‌شوند.

واژگان کلیدی: *تمایز یافتگی، زنان، حمایت اجتماعی، روان بنه، جدا شده*

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

Nasireh.moghadam@gmail.com

** کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

مقدمه

عوامل گوناگونی بر استواری و دوام خانواده تأثیر می‌گذارند، در این میان تمایز یافتگی خود عبارت از توانایی به دست آوردن مهار هیجانی و درعین حال، ماندن در جو هیجانی خانواده است. این مفهوم روشنگر تراز توانایی فرد برای اندیشه واقع‌بینانه درباره موضوعات هیجانی در خانواده است و دربرگیرنده گونه‌ای ظرفیت درون فردی برای متمایز کردن اندیشه و احساس و نیز توانایی میان فردی برای حفظ نا وابستگی درون بافت روابط عمیق با افراد برجسته زندگی است. تمایز، با توجه به کارکرد درون روانی، توانایی جداسازی فرآیندهای هیجانی از فرآیندهای عقلانی و با توجه به کارکرد میان فردی، توانایی آزمودن بی‌آلایشی همراه با نا وابستگی در روابط میان فردی و تعادل درخور میان آن‌ها تعریف می‌شود. برای تمایز یافتگی چهار مؤلفه واکنش‌پذیری هیجان، جایگاه من، گریز هیجانی و هم آمیختگی با دیگران مطرح شده است: نخست، واکنش‌پذیری هیجانی حالتی است که در آن، احساسات فرد بر خرد و خردورزی‌اش چیرگی دارد و تصمیم‌گیری‌های فرد تنها بر پایه واکنش‌های هیجانی صورت می‌گیرد. دوم، جایگاه من به معنای داشتن دیدگاه‌ها و باورهای روشن در زندگی است. افراد تمایز یافته از هویت شخصی نیرومند یا جایگاه من نیرومندی برخوردارند و برای کسب خوشنودی دیگران، رفتار و دیدگاه‌های خود را تغییر نمی‌دهند. سوم، گریز هیجانی، کودکانی که در فرآیند فرافکنی خانواده قرار می‌گیرند و به‌طور معمول در زمان بزرگسالی یا حتی پیش از آن، از راهبردهای گوناگونی برای گریز از بند پیوندهای هیجانی حل‌نشده خانواده استفاده می‌کنند که این راهبردها می‌تواند جدایی گرفتن فیزیکی از خانواده یا ایجاد موانع روانی مانند گفتگو نکردن با یکی از اعضای خانواده باشد. چهارم، هم آمیختگی با دیگران، بوئن، تمایز یافتگی را روی پیوستار فرضی نشان می‌دهد که در یک طرف آن تمایز یافتگی و در طرف دیگر آن هم آمیختگی با دیگران قرار دارد. افراد هم آمیخته به شدت به تائید و پشتیبانی اطرافیان خود نیاز دارند و رفتارهایشان تحت تأثیر سیستم هیجانی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد. مفهوم تمایز یافتگی بنیاد دیدگاه نظام‌های خانواده بوئن است و اشاره به توانایی ایجاد تعادل میان نیروهای فکری و فرایندهای هیجانی در سطح درون روانی و ایجاد تعادل میان حفظ فردیت همراه با تجربه بی‌آلایشی در سطح میان فردی می‌کند. با توجه به چهار عامل واکنش هیجانی، موضع من (بعد درون روانی) و آمیختگی با دیگران و گسلس هیجانی (بعد میان فردی) افراد تمایز یافته و تمایز نیافته را می‌توان تمیز داد.

زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند، هنگامی که ازدواج می‌کنند، انتظار می‌رود بلوغ هیجانی کمتری را دارا و گنجایشی محدود برای بی‌آلایشی و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری پیوند زناشویی شان رشد و خود رهبری شان را قربانی ازدواج کنند (متیارد، اندرسن و مارکس^۱، ۲۰۱۱؛ حامدی، خسروی، پیوسته گر، درویزه، خدابخش و صرامی، ۱۳۹۱؛ جمشیدی، سرو قد، ۱۳۹۴؛ طالبی، غباری بناب، ۱۳۹۱؛ محسنیان، کرملو، گنجوی، ۱۳۸۶؛ جهانبخشی، کلاتر کوشه، ۱۳۹۱؛ جانکوفسکی، سندیج^۲، ۲۰۱۱). در این راستا نجف لویی (۱۳۸۵) نشان داد که از میان خرده آزمون‌های تمایز یافتگی خود؛ واکنش هیجانی بیش‌ترین رابطه را با تعارض‌های زناشویی دارد و همانندی تمایز یافتگی همسران نیز تأیید شد و طالبی و غباری بناب (۱۳۹۱) دریافتند که میان خود متمایز سازی و رضایت زناشویی رابطه مثبت برقرار است.

در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیر تر و رابطه‌ای دوستانه‌تر داشته باشند و ناهمسانی دیدگاه‌های یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کم‌تری را تجربه کنند. به سخن دیگر، برای این که مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند (حامدی و همکاران، ۱۳۹۱). این الگوها همه واکنش‌های هیجانی، شناختی و سازوکارهای رفتاری را متأثر می‌کنند و چنانچه که معیوب باشند، مایه ایجاد رفتارهای ناپسند می‌شوند، در این میان روان بنه‌های ناسازگار، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در آغاز رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در مسیر زندگی تکرار می‌شوند و رفتارهای ناسازگار در پاسخ به این روان بنه‌ها به وجود می‌آیند (پیوسته گر، خسروی، کرمی، ۱۳۹۵). یانگ^۳ ۱۹۹۰-۱۹۹۹، باور داشت برخی از این روان بنه‌ها به‌ویژه آن‌ها که بیشتر در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند و شاید هسته اصلی اختلالات شخصیت قرار بگیرد (منصوری جلیلیان، یزدان بخش، ۱۳۹۳). روان بنه‌ها تا هنگامی که توسط ماشه چکان مهمی فعال نشوند، بی‌کنش هستند و هنگامی که فعال می‌شوند، موتور حرکت افکار خود آیند منفی می‌شوند و در راستای سودار کردن منفی اطلاعات عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، روان بنه‌های شناختی به هنگامی که ادراک کننده، فاقد اطلاعات واجد جزئیات درباره‌ی

1. Meteyard, Andersen, & Marx
2. Jankowski, & Sandage

هدف است، تأثیر بیشتری بر ادراک فرد دارند (شهامت، ۱۳۸۹؛ کریمی زارچی، ۱۳۹۰). روان بنه‌ها به گونه‌ای متناقض و اجتناب‌ناپذیر زندگی بزرگ‌سالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشاند، که غالباً برای بیماران زیان‌بخش بوده است تا اندازه‌ای مانند مفهوم‌سازی راتر ۱۹۹۶ از منبع مهار بیرونی و دیدگاه سلیگمن ۱۹۷۱ از درماندگی آموخته‌شده روان بنه‌ها ممکن است این باور را گسترش دهند که پیامد هراس‌انگیز بی‌توجه به کوشش برای مهار پیامدهای آن، غیرقابل اجتناب است (جهانبخشی، کلاتر کوشه، ۱۳۹۱). روان بنه‌ها حالت ابعادی دارند، هرچه روان بنه‌ها شدیدتر باشد، شمار بیشتری از موقعیت‌ها می‌توانند آن را فعال کنند (کریمی زارچی، ۱۳۹۰). همچنین یانگ ۱۹۹۹، معتقد است که روان بنه می‌تواند مثبت، منفی، سازگار یا ناسازگار باشد و نیز می‌تواند در اوایل زندگی یا در سیر بعدی زندگی شکل بگیرد (تزل، کیزلاک، بويسان^۱، ۲۰۱۵). وی مجموعه‌ای از روان بنه‌ها به‌ویژه آن‌هایی که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی به وجود می‌آیند را «روان بنه‌های ناسازگار نخستین» نامید و آن‌ها را الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی که در آغاز رشد در ذهن شکل گرفته و در سیر زندگی تکرار می‌شوند، تعریف کرد. روان بنه‌های ناسازگار نخستین زیر نام ساختارهای پردازش اطلاعات، مفهوم‌سازی شده‌اند و محصول خلق و خو و محیط فرد هستند (زفیرپلو، آواجیانو، واسیلیادو^۲، ۲۰۱۴). یک چارچوب شناختی ناکارآمد برای دیدن خود و دیگران اشاره داد، که ابتدا در پاسخ به وقایع ناگوار کودکی رشد می‌یابد (منصوری جلیلیان، یزدان بخش، ۱۳۹۳؛ منجم، آقا یوسفی، زارع، ۱۳۹۲) یانگ، کلاسکو و ویشر^۳ ۲۰۰۳، یک تعریف جدید از روان بنه ناسازگار نخستین ارائه دادند، یک الگو یا درون‌مایه نافذ، فراگیر و وسیع که از حافظه‌ها، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساسات بدنی درباره خود فرد و روابطش با دیگران تشکیل شده است (وانگ، هلیورسن، ایزمن، واترلو^۳، ۲۰۱۰). رفتارهای ناسازگار در پاسخ به این روان بنه‌ها به وجود می‌آید، ولی فرد بخشی از طرح‌واره محسوب نمی‌شود، بلکه رفتارهای ناسازگار در پاسخ به روان بنه به وجود می‌آیند و افراد به سمت وقایعی کشیده می‌شوند که با روان بنه‌هایشان همخوانی دارند (شهامت، ثابتی، رضوانی، ۱۳۸۹). در همین راستا منجم، آقا یوسفی و زارع (۱۳۹۲) دریافتند که می‌توان به کمک روان بنه‌های ناسازگار نخستین و تله‌های زندگی طلاق را پیش‌بینی

1. Tezel, Kislak, Boysan
2. Zafiropoulou, Avagianou, Vassiliadou
3. Wang, Halvorsen, Eisemann, Waterloo

نمود و بر پایه این الگو یک رویکرد پیشگیری از طلاق و درمان زناشویی بر پایه رویکرد روان بنه درمانی را تدارک دید.

با توجه به آموزش‌های نخستین کودک‌کی یکی از پایه‌های بنیادین پایداری زندگی و شخصیت سالم برخوردار از حمایت اجتماعی است که می‌تواند زمینه تمایز یافتگی و ناوابستگی را در افراد گسترش بخشد، حمایت اجتماعی ادراک احساس تعلق داشتن و مورد مهر قرار گرفتن است. احساس مهر از ویژگی‌های اصلی آن است (تمنائی فر، لیث، منصوری نیک، ۱۳۹۲؛ حاجی بکنده و تقی پور، ۱۳۸۹؛ جوکار، نیک پور، ۱۳۸۸). ساراسون^۱ ۱۹۹۸ آن را مفهومی چندبعدی می‌داند که هر دو بعد واقعی و تصویری و بر در دسترس بودن و کیفیت روابط با افرادی را در برمی‌گیرد (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). مفهوم حمایت اجتماعی ادراک شده به حمایت از دیدگاه ارزیابی شناختی فرد از روابطش اشاره دارد. برابر این تعریف حمایت اجتماعی مفهومی است که به دامنه ارتباطات متقابل میان فردی توجه دارد و هر چه تراز مبادلات میان فردی بیشتر باشد، تراز حمایت اجتماعی که فرد دریافت می‌دارد، افزون‌تر خواهد بود و عکس این همبستگی نیز صادق است. جنبه مهم این حمایت این است که یک پیام یا تجربه ارتباطی به معنای حمایت نیست مگر اینکه دریافت کننده نیز چنین برداشتی را داشته باشد. بنا بر تعریف، حمایت اجتماعی دو جنبه یا دو بعد بنیادی دارد: فاعلی (ذهنی) و عینی، بعد فاعلی به تصویری اطلاق می‌گردد که فرد از افراد موثر دارد که می‌توانند به‌طور بالقوه در مواقع درماندگی و ناچاری وی را مساعدت نمایند. بعد عینی حمایت اجتماعی به اندازه مساعدت‌ها و همیاری‌های ارائه شده به فرد بستگی دارد هر نوع تغییر یا بروز مصیبتی در زندگی فرد، از جمله منابع فشاری است که ممکن است موجب پریشانی و نگرانی فرد شود (سلیمی، جوکار، نیک پور، ۱۳۸۸؛ لندن پترز و همکاران^۲، ۲۰۰۵؛ رستمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لوانگ، پاچانا، مک لوگلین^۳، ۲۰۱۴). در حمایت اجتماعی دریافت شده اندازه حمایت‌های کسب شده توسط فرد مورد تأکید است و در حمایت اجتماعی ادراک شده، ارزیابی‌های فرد از در دسترس بودن حمایت‌ها در مواقع ضروری و مورد نیاز بررسی می‌شود (پاموگا، میدن^۴، ۲۰۱۰؛ به نقل از

1. Sarason
2. Landman-Peters, and et al
3. Leung, Pachana, Mclaughlin
4. Pamukçu, & Meydan

تمنائی فر، لیث، منصوری نیک، (۱۳۹۲). باررا^۱، چاسین^۲ و روقوش^۳ ۱۹۹۳، در مطالعه‌ای مطرح کردند که حمایت اجتماعی بالا و همچنین حمایت بالای والدین با سلامت روان بهتر و شادکامی مرتبط است (یانگ، هیو سوک^۴، ۲۰۱۶). همچنین حمایت اجتماعی بالا به خصوص حمایت بالا از طرف اعضای خانواده با حس رضایت و شادمانی مرتبط است (آسلمن، ویچن، ارلر، مارتینی^۵، ۲۰۱۶)؛ و بر پایه پژوهش‌های حاجی بکنده و تقی پور (۱۳۸۹) حمایت اجتماعی ادراک‌شده بر وضعیت جسمی، روانی بر رضایت از زندگی افراد اثرات زیادی دارد و به‌عنوان یک عامل تعدیل‌کننده مؤثر در رویارویی با رخدادهای تنش‌زای زندگی شناخته شده است.

به‌طور کلی خانواده یک نظام اجتماعی است که دست کم سه نسل را در برمی‌گیرد. رابطه اعضای این خرده‌فرهنگ‌ها همبستگی‌ای عمیق و چندلایه است که بیشتر بر پایه تاریخچه مشترک، ادراک‌ها و انگاره‌های مشترک و درونی شده درباره جهان و اهداف مشترک بنانهاده شده است (تمنائی فر، لیث و منصوری نیک، ۱۳۹۲). در چنین نظامی، مردم به‌وسیله گرایش‌ها و دل‌بستگی‌های هیجانی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند یافته‌اند و ممکن است از شدت این گرایش‌ها و دل‌بستگی‌ها در طی زمان کاسته شود، ولی بازهم گرایش‌های یادشده در سراسر زندگی به ماندگاری خود ادامه خواهند داد اهمیت شناخت و بررسی سازه‌هایی که مایه پایداری و استواری این نهاد اجتماعی می‌گردند، می‌تواند گامی سودمند در راستای بالا بردن تراز غنای فرهنگی مردم باشد و با توجه به کمبود پژوهش‌های موجود و گستره نقش خانواده، زنان و پیامدهای برآمده از جدا شدن از همسر پژوهش حاضر درصد پاسخگویی به سؤالات زیر است.

۱. آیا میان تمایز یافتگی در جامعه بانوان متأهل و جدانشده تفاوت وجود دارد؟
۲. آیا میان روان بنه‌های سازش نایافته نخستین در جامعه بانوان متأهل و جدانشده تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا میان حمایت اجتماعی ادراک‌شده در جامعه بانوان متأهل و جدانشده تفاوت وجود دارد؟

1. Barerra
 2. Chassin
 3. Rogosh
 4. Young-Ok, Hyo-Sook
 5. Asselmann, Wittchen, Erler, Martini

روش

روش انجام این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای یا پس رویدادی است. نمونه آماری این پژوهش دربرگیرنده ۱۰۰ نفر از زنان جداشده و متأهل (۵۰ جداشده و ۵۰ نفر متأهل) مراجعه‌کننده به کلینیک خدمات روان‌شناسی «اوج» شهرستان گرگان در پاییز ۱۳۹۵ بود که به روش غیر تصادفی هدفمند از نوع قضاوتی گزینش شدند. پس از ارائه توضیحاتی به افراد درباره هدف پژوهش و جلب اعتماد آزمودنی‌ها و دادن اطمینان به آنان از وجود شرایط لازم برای اجرای درست آزمون‌ها و پژوهش اقدام به نمونه‌گیری شد. همه آزمودنی‌ها در دو گروه زنان جداشده و متأهل با ابزارهای پژوهش ارزیابی شدند. معیارهای ورود به مطالعه دربرگیرنده، جنسیت زن، متأهل و جداشده از همسر بودن، ساکن شهر گرگان، موافقت‌نامه در خصوص شرکت افراد در طرح پژوهش، عدم وجود مشکلات جسمی، اختلالات حاد روانی و خلقی مهار نشده معیارهای خروج از مطالعه نیز تکمیل ناقص و مخدوش ابزارها، وجود بیماری بدنی و اختلالات روان روان‌پزشکی مهار نشده که ادامه فعالیت و همکاری را با مشکل مواجه نماید در نظر گرفته شد.

ابزارها

سیاهه تمایزیافتگی خود^۱. سیاهه تمایزیافتگی خود دارای ۴۳ آیتم بوده و توسط اسکورون و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است که دربرگیرنده چهار مؤلفه واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران است و در طیف لیکرت ۶ درجه‌ای پاسخ داده می‌شود. مؤلفه واکنش‌پذیری هیجانی (۱، ۶، ۱۴، ۱۰، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۸، ۴۰) بازتاب‌دهنده درجه‌ای است که فرد به محرک محیطی با حساسیت بیش‌ازحد یا با تغییرپذیری هیجانی پاسخ می‌دهد. مؤلفه جایگاه من (۱۱، ۴، ۷، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱، ۴۳) که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در هنگامی که فرد مجبور به انجام اقدام متضاد با باورهای خود است، مشخص می‌کند. مؤلفه گریز هیجانی (۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۲) نشان‌دهنده احساس ترس از

1. differentiation of self inventory

صمیمیت و احساس آسیب‌پذیری بیش‌ازحد در ارتباط با دیگران است. سرانجام مؤلفه هم آمیختگی با دیگران (۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷)، نشان‌دهنده درگیری در روابط بیش‌ازحد هیجانی با دیگران است. این سیاهه با مقیاس لیکرت در یک طیف شش گزینه‌ای از یک (اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا شش (کاملاً در مورد من صحیح است) درجه‌بندی شده است. به هر سؤال نمره‌ای میان ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت که به گزینه ۱ نمره ۱ و به گزینه ۶ نمره ۶ داده می‌شود. حداکثر نمره ۲۷۶ است. نمره کمتر در این سیاهه نشان‌دهنده سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی است. هنجاریابی این سیاهه در ایران توسط شریفی (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه تمایز یافتگی خود از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۷ به دست آمد. روایی سازه پرسش‌نامه با تحلیل عامل بررسی شد، مقدار کفایت نمونه‌برداری (KMO) برابر با ۰/۷۷۱ بود. روایی این پرسشنامه مورد تأیید متخصصان و در پژوهش‌های اسکورن (۲۰۰۰)، اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) تأیید شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی مؤلفه‌های واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی هم آمیختگی هیجانی با دیگران، به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۸۴ برآورد شد. پایایی در پژوهش کریمی، علیزاده و میرزایی، (۱۳۹۲) برای واکنش هیجانی ۰/۸۱، گریز هیجانی ۰/۷۷، آمیختگی با دیگران ۰/۷۸ و جایگاه من ۰/۶۴ به دست آمده است. در این پژوهش پایایی به روش آلفای کرونباخ برای واکنش هیجانی ۰/۶۰، گریز هیجانی ۰/۶۲، آمیختگی با دیگران ۰/۵۲ و جایگاه من ۰/۴۹ به دست آمده است.

سنجه چندوجهی حمایت اجتماعی ادراک شده^۱ سنجه حمایت اجتماعی ادراک شده یک ابزار ۱۲ گویه‌ای است که به منظور ارزیابی حمایت اجتماعی ادراک شده از سه منبع خانواده (۳، ۴، ۸، ۱۱)، دوستان (۶، ۷، ۹، ۱۲) و افراد مهم در زندگی (۱، ۲، ۵، ۱۰) توسط زمیت، داهلم زمیت فارلیمیت، فارلی ۱۹۸۸ تهیه شده است. این مقیاس میزان حمایت اجتماعی ادراک شده فرد را در هر یک از سه حیطه مذکور در طیف ۵ گزینه‌ای کاملاً مخالفم، یک تا کاملاً موافقم، پنج می‌سنجد. نمره هر زیر مقیاس نیز از حاصل جمع نمرات گویه‌های مربوط به آن تقسیم بر تعداد گویه‌های آن مؤلفه به دست می‌آید. روایی و پایایی این مقیاس توسط زمیت و همکاران در حد مطلوب گزارش شده

1. multidimensional scale of perceived social support

است. رستمی، شاه‌محمدی، بشارت و اکبری زردخانه (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های حمایت اجتماعی را میان ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ به دست آورده‌اند. همچنین همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برای خانواده، دوستان و شخص مهم به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۲، ۰/۸۷ به دست افشاری ۱۳۸۶ برآورد شد (به نقل از کرمانی، ۱۳۸۸). در این پژوهش پایایی به روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های خانواده، دوستان و افراد مهم زندگی به ترتیب برابر با ۰/۷۱، ۰/۷۶ و ۰/۶۷ به دست آمده است.

فرم کوتاه پرسشنامه روان بنه یانگ^۱. این پرسشنامه ۷۵ ماده‌ای به دست یانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ روان بنه ناسازگار نخستین ساخته شده است. این روان بنه‌ها عبارت‌اند از: رهاشدگی / بی‌ثباتی (۶ تا ۱۰)، بی‌اعتمادی / بد رفتاری (۱۱ تا ۱۵)، انزوای اجتماعی / بیگانگی (۱۶ تا ۲۰)، کاستی / شرم (۲۱ تا ۲۵)، محرومیت هیجانی (۱ تا ۵)، وابستگی / بی‌کفایتی (۳۱ تا ۳۵)، آسیب‌پذیری در برابر بیماری (۳۶ تا ۴۰)، خود تحول نیافته / گرفتار (۴۱ تا ۵۰)، شکست (۲۶ تا ۳۰)، شایستگی / بزرگ‌منشی (۶۶ تا ۷۰)، خودمهارى ناکافی (۷۱ تا ۷۵)، پیروی (۴۶ تا ۵۰)، از خود گذشتگی (۵۱ تا ۵۵)، بازداری هیجانی (۵۶ تا ۶۰)، معیارهای سرسختانه / بیش انتقادی (۶۱ تا ۶۵). این پرسشنامه را در ایران آهی (۱۳۸۵) ترجمه و آماده اجرا کرده و همسانی درونی آن را برحسب آلفای کرونباخ در گروه مذکر ۹۸ درصد و در گروه مؤنث ۹۷ درصد گزارش کرده است. در پژوهش پیوسته گر و شیروانی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ به ترتیب برای محرومیت هیجانی برابر با ۸۰ درصد، برای طرد / رهاشدگی برابر با ۸۷ درصد، برای بی‌اعتمادی / بد رفتاری برابر با ۷۷ برای کاستی / شرم ۸۳ درصد، برای انزوای اجتماعی برابر با ۷۰ درصد، برای آسیب‌پذیری در برابر بیماری برابر با ۷۳ درصد، وابستگی / بی‌کفایتی برابر برای ۸۰ درصد، برای گرفتاری / در دام افتادگی برابر با ۷۱ درصد، برای پیروی برابر با ۷۰، برای از خود گذشتگی برابر با ۷۱ درصد، برای بازداری هیجانی ب برابر با ۷۹ درصد، برای معیارهای سرسختانه ۷۸ درصد، برای شایستگی برابر با ۶۶ درصد و برای / کاستی خویشنداری و

1.schema questionnaire -short form

نبرد انضباط کافی برابر با ۷۱ درصد به دست آمد. اشمیت و همکاران برای هر روان بنه ناسازگار اولیه نرخ آلفای ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ را به دست آوردند و نرخ باز آزمایشی در جمعیت غیر بالینی میان ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ به دست آمده است. پژوهش یانگ و لانگ (۱۹۹۸) نیز ساختار عاملی و روایی سازه این سنجه را تأیید کردند. در این پژوهش پایایی به روش آلفای کرونباخ برای رهاشدگی / بی‌ثباتی ۰/۸۳، بی‌اعتمادی / بدرفتاری ۰/۷۹، انزوای اجتماعی / بیگانگی ۰/۸۴، کاستی / شرم ۰/۷۹، محرومیت هیجانی ۰/۸۲، وابستگی / بی‌کفایتی ۰/۸۳، آسیب‌پذیری در برابر بیماری ۰/۷۹، خود تحول نیافته / گرفتار ۰/۷۶، شکست ۰/۸۵، شایستگی / بزرگ‌منشی ۰/۷۳، خودکنترلی ناکافی ۰/۸۱، پیروی ۰/۸۰، از خودگذشتگی ۰/۸۱، بازداری هیجانی ۰/۵۱، معیارهای سرسختانه / بیش انتقادی ۰/۸۵ به دست آمده است.

شیوه اجرای پژوهش

فرایند نمونه‌گیری به صورت انفرادی و با هماهنگی در کلینیک روانشناسی «اوج» شهر گرگان انجام گردید و از آزمودنی در ابتدا فرم رضایت‌نامه آگاهانه دریافت گردید. سپس توضیحات مقدماتی به آزمودنی‌ها درباره نوع و نحوه تکمیل ابزارهای پژوهش داده شد و پس از جمع‌آوری داده‌ها از ابزارها مشخص گردید که تعداد ۶ پرسشنامه از دو گروه ناقص تکمیل شده است، برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد، در بررسی بهنجاری داده‌ها برای شناسایی داده‌های پرت از آزمون جعبه‌ای و کولموگروف-اسمیرنوف و برای حذف داده‌های پرت از آزمون ماهانویس^۱ استفاده شده است. در نهایت با به‌کارگیری روش تحلیل واریانس چند متغیره مانوا تعیین تفاوت دو گروه بررسی شد و داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

یافته‌ها

با توجه به برآیندها میانگین سنی گروه زنان جدا شده برابر با ۲۷/۸ و برای گروه زنان متأهل ۲۶/۶ بود، کمینه سطح سواد دو گروه دیپلم و بیشینه کارشناسی ارشد بوده‌اند و در گروه زنان جدا شده

1. Mahalanobis distance

شمار ۳۴ نفر شاغل و در گروه زنان متأهل ۳۱ نفر شاغل بوده‌اند. میانگین مدت جدایی از همسران سه سال بود، شمار ۴۱ نفر از زنان جدا شده دارای یک فرزند بودند، ۳۸ نفر از زنان متأهل نیز دارای یک فرزند و نه نفر دارای دو فرزند و سه نفر دارای سه فرزند بودند. متوسط درآمد زنان شاغل جدا شده یک میلیون بود و همچنین متوسط درآمد زنان شاغل متأهل یک میلیون و دویست بود.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار تمایز یافتگی خود و مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
تمایز یافتگی خود	جدا شده	۱۳/۷۵	۱/۵۸
	متأهل	۱۳/۵۱	۱/۵۸
واکنش‌پذیری هیجانی	جدا شده	۱۹/۸۵	۳/۰۰
	متأهل	۱۹/۲۸	۳/۱۹
جایگاه من	جدا شده	۱۹/۲۱	۴/۳۶
	متأهل	۱۹/۰۰	۴/۳۷
گریز هیجانی	جدا شده	۱۶/۸۷	۳/۹۱
	متأهل	۱۹/۳۵	۳/۸۸
هم آمیختگی با دیگران	جدا شده	۱۹/۸۷	۴/۱۶
	متأهل	۱۹/۶۱	۴/۱۶
	متأهل	۳/۶۹	۱/۴۲

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار حمایت اجتماعی ادراک شده مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
حمایت اجتماعی ادراک شده	جدا شده	۴۳/۰۶	۱۰/۶۷
	متأهل	۴۷	۷/۸۶
حمایت خانواده	جدا شده	۲/۷۰	۱/۴۳
	متأهل	۳/۳۵	۱/۱۲
حمایت دوستان	جدا شده	۲/۷۳	۱/۵۴
	متأهل	۳/۳۳	۱/۱۱
حمایت افراد مهم	جدا شده	۳/۵۱	۱/۶
	متأهل	۴/۴۵	۱/۱۹

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار مؤلفه‌های روان بنه‌های ناسازگار نخستین مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
روان بنه‌های ناسازگار نخستین	جداشده	۱۵۵	۳۸/۴۹
	متأهل	۱۴۲/۱	۳۸/۲۱
رهاشدگی / بی‌ثباتی	جداشده	۲/۵۸	۰/۸۰
	متأهل	۲/۵۹	۰/۷۹
بی‌اعتمادی / بدرفتاری	جداشده	۳/۴۸	۱/۰۰
	متأهل	۳/۴۷	۰/۹۹
انزوای اجتماعی / بیگانگی	جداشده	۳/۳۶	۱/۰۶
	متأهل	۳/۳۵	۱/۰۵
کاستی / شرم	جداشده	۲/۱۷	۱/۷۸
	متأهل	۳/۳۰	۱/۵۵
محرومیت هیجانی	جداشده	۳/۶۳	۱/۴۳
	متأهل	۳/۶۹	۱/۴۲
وابستگی / بی‌کفایتی	جداشده	۱/۸۵	۱/۳۱
	متأهل	۳/۲۱	۱/۵۷
آسیب‌پذیری در برابر بیماری	جداشده	۲/۳۶	۱/۲۶
	متأهل	۲/۶۹	۱/۴۲
خود تحول نیافته / گرفتار	جداشده	۲/۵۳	۱/۳۴
	متأهل	۳/۳۸	۱/۶۶
شکست	جداشده	۳/۱۹	۱/۴۸
	متأهل	۳/۴۰	۱/۶۲
شایستگی / بزرگ‌منشی	جداشده	۲/۳۶	۱/۲۴
	متأهل	۲/۰۲	۱/۲۱
خودکنترلی ناکافی	جداشده	۲/۰۰	۱/۱۷
	متأهل	۳/۰۴	۰/۹۸
پیروی	جداشده	۳/۵۱	۱/۰۹
	متأهل	۳/۳۳	۰/۹۵
از خودگذشتگی	جداشده	۳/۳۹	۱/۰۴
	متأهل	۳/۲۸	۱/۱۱
بازداری هیجانی	جداشده	۴/۰۹	۱/۴۲
	متأهل	۴/۳۳	۱/۱۴
معیارهای سرسختانه / بیش	جداشده	۱/۵۵	۱/۲۰
انتقادی	متأهل	۳/۷۸	۱/۴۴

جدول ۴. آزمون باکس، پیش فرض همگنی واریانس‌ها

آزمون باکس	۴۰۶/۶۲۱
تحلیل واریانس	۱/۱۴۱
درجه آزادی ۱	۲۵۳
درجه آزادی ۲	۱۹۹۶۳/۱۹۹
معنی‌داری	۰/۰۶۲

جدول (۴) نبود معنی‌داری آزمون همگنی کوواریانس‌ها آزمون باکس و نبود معنی‌داری همسانی واریانس‌ها توسط آزمون لوین را نشان می‌دهد با احتمال قوی می‌توان گفت داده‌ها همسان و مفروضات تحلیل واریانس چند متغیره رعایت شده است.

جدول ۵. برآیندهای تحلیل واریانس چند متغیر بر روی تفاضل نمرات مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، روان بنه در دو گروه زنان جداشده و متأهل

اثرات	اندازه	F	درجه آزادی	خطای درجه آزادی	P	مجذور اتا	اندازه اثر	توان آزمون
اثر پلاپی	۰/۷۰۷	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰۰۰	۰/۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰
لامبدایی ویلکز	۰/۲۹۳	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰۰۰	۰/۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰
اثر هتلینگ	۲/۴۰۹	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰۰۰	۰/۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰
بزرگ‌ترین ریشه خطا	۲/۴۰۹	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰۰۰	۰/۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰

جدول (۵) نتایج برآمده از تحلیل واریانس چند متغیره بر روی تفاضل نمرات مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، روان بنه در دو گروه زنان جداشده و متأهل را نشان می‌دهد. همه آزمون‌های مانوا (اثر پلاپی $F=۰.۷۰۷$ ، لامبدایی ویلکز $F=۰.۲۹۳$ ، اثر هتلینگ $F=۲/۴۰۹$ ، بزرگ‌ترین ریشه خطا $F=۲/۴۰۹$ در سطح $P<۰.۰۰۱$) معنی‌دار می‌باشند، بر این پایه می‌توان بیان داشت دست کم در یکی از مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و روان بنه‌های ناسازگار نخستین در دو گروه زنان جداشده و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانوا انجام گرفت که نتایج برآمده از آن در جدول شماره پس‌ازاین گنجانده شده است.

جدول ۶. برآیندهای تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانوا بر روی تفاضل نمرات مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، روان بنه در دو گروه زنان جداشده و متأهل

منبع پراکندگی	متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معنی‌دار ی	مجذورات	مقدار اثر	توان آزمون
	حمایت ادراک‌شده	۳۹۱/۵۱۳	۱	۳۹۱/۵۱۳	۴۰۲/۴	۰/۰۳۹	۰/۰۴۴	۴/۴۰۲	۰/۵۴۷
	حمایت خانواده	۸۷۶۱	۱	۸۷۶۱	۵۲۹۱	۰/۰۲۴	۰/۰۶۱	۵/۲۹	۰/۶۲۳
	حمایت دوستان	۷۵۰۹	۱	۷۵۰۹	۴/۱۲۷	۰/۰۴۵	۰/۰۴۸	۴/۱۲	۰/۵۱۹
	حمایت افراد مهم	۱۸۳۳۹	۱	۱۸۳۳۹	۸۶۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۹۶	۸/۶۰	۰/۸۲۶
	تمایز یافتگی خود	۲/۲۵۱	۱	۲/۲۵۱	۰/۹۲۶	۰/۳۳۸	۰/۰۱۰	۰/۹۲۶	۰/۱۵۹
	واکنش‌پذیری هیجانی	۶/۶۲۹	۱	۶/۶۲۹	۰/۶۹۵	۰/۴۰۷	۰/۰۰۹	۰/۶۹۵	۰/۱۳۱
	جایگاه من	۳۲۰	۱	۳۲۰	۰/۱۰۷	۰/۸۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	۰/۰۵۲
	گریز هیجانی	۱۳۷/۵۰	۱	۱۳۷/۵۰	۸۳۶۹	۰/۰۰۵	۰/۰۹۴	۳۶/۸	۰/۸۱۶
	هم‌آمیزی با دیگران	۱/۳۹۲	۱	۱/۳۹۲	۰/۰۸۰	۰/۷۷۸	۰/۰۰۱	۰/۰۸۰	۰/۰۵۹
	روان بنه‌های ناسازگار	۴۶۲۵/۷۶۴	۱	۴۶۲۵/۷۶۴	۳/۱۵۷	۰/۰۷۹	۰/۰۳۲	۳/۱۵۷	۰/۴۲۰
گروه	رهشده‌گی/بی‌ثباتی	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۹۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۵۰
	بی‌اعتمادی/بدرفتاری	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۹۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۵۰
	انزوای اجتماعی/بیگلی	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۹۷۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰
	کاستی/شرم	۲۶/۹۰۶	۱	۲۶/۹۰۶	۹/۶۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۶/۱۹	۰/۸۶۵
	محرومیت هیجانی	۰/۰۰۱	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۸۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰
	وابستگی/بی‌کفایتی	۳۸/۴۰۹	۱	۳۸/۴۰۹	۱۸/۲۸۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	۲/۱۸	۰/۹۸۸
	آسیب‌پذیری در برابر بیماری	۲/۱۸۶	۱	۲/۱۸۶	۱/۲۰۹	۰/۳۷۵	۰/۰۱۵	۲/۰۱	۰/۱۹۲
	خود تحول نیافته/گرفتار	۱۴/۷۹۲	۱	۱۴/۷۹۲	۶/۴۲۸	۰/۰۱۳	۰/۰۷۴	۴۳/۶	۰/۷۰۸
	شکست	۰/۹۱۲	۱	۰/۹۱۲	۳/۷۶	۰/۵۴۲	۰/۰۰۵	۳/۷۶	۰/۰۹۳
	شایستگی/بزرگمنشی	۲/۴۲۷	۱	۲/۴۲۷	۱/۶۰۵	۰/۲۰۹	۰/۰۱۹	۶۰/۱	۰/۲۴۰
	خودکنترلی ناکافی	۲۱/۷۲۲	۱	۲۱/۷۲۲	۱۸/۵۴۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶	۵/۱۸	۰/۹۸۹
	پیروی	۰/۶۶۴	۱	۰/۶۶۴	۰/۶۲۸	۰/۴۳۰	۰/۰۰۸	۰/۶۲۸	۰/۱۲۳
ازخودگذشتگی	۰/۳۲۷	۱	۰/۳۲۷	۰/۱۹۵	۰/۶۶۰	۰/۰۰۲	۰/۱۹۵	۰/۰۷۲	
بازداری هیجانی	۱/۱۵۳	۱	۱/۱۵۳	۰/۶۹۲	۰/۴۰۸	۰/۰۰۸	۰/۶۹۲	۰/۱۳۰	
معیارهای سرسختانه/بیش انتقادی	۱۰۲/۶۸	۱	۱۰۲/۶۸	۵۸/۰۹۶	۰/۰۰۰	۰/۴۱۸	۰/۵۸	۱	

جدول (۶) نشان می‌دهد که در مجموع میان حمایت اجتماعی ادراک‌شده ($F=۴۰۲/۴, P<۰/۰۳۹$)، حمایت خانواده ($F=۵/۲۹۱, P<۰/۰۲۴$)، حمایت دوستان ($F=۴/۱۲۷, P<۰/۰۴۵$)، حمایت افراد مهم ($F=۸/۶۰۴, P<۰/۰۰۴$)، گریز هیجانی ($F=۸/۳۶۹, P<۰/۰۰۵$)، کاستی/شرم ($F=۹/۶۱۰, P<۰/۰۰۳$)، وابستگی/بی‌کفایتی ($F=۱۸/۲۷۰, P<۰/۰۰۰$)، خود تحول نیافته/گرفتار ($F=۶/۴۳۶, P<۰/۰۱۳$)، خودکنترلی ناکافی ($F=۱۸/۵۴۴, P<۰/۰۰۰$)، معیارهای سرسختانه/بیش انتقادی ($F=۵۸/۰۹۶, P<۰/۰۰۰$)، در دو گروه زنان جداشده و متأهل با توجه به تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانوا تفاوت

معنی‌داری وجود دارد. مندرجات جدول بالا تفاوت معنی‌داری را در گستره‌های دیگر تمایز یافتگی خود و روان‌بند در دو گروه زنان را نشان نمی‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف هم‌سنجی تمایز یافتگی خود، روان‌بندهای ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در جامعه زنان جداشده و متأهل انجام شد، نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره بر روی تفاضل نمرات مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، روان‌بندهای ناسازگار نخستین در دو گروه زنان جداشده و متأهل را نشان می‌دهد؛ که با نتایج پژوهش‌های منجم، آقا یوسفی و زارع (۱۳۹۲)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۱)، نجف‌لویی (۱۳۸۵)، حسینی حاجی بکنده و تقی‌پور (۱۳۸۹) لونگک و همکاران (۲۰۱۴) و تمنایی فر و همکاران (۱۳۹۲) همسو است و نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند.

با توجه به وجود تفاوت معنی‌دار میان حمایت اجتماعی ادراک‌شده و مؤلفه‌های حمایت خانواده، حمایت دوستان و حمایت افراد مهم در زنان جداشده و متأهل که در این پژوهش نشان داده شده است، گروه زنان جداشده حمایت اجتماعی کمتری را در سنجش با گروه زنان متأهل دریافت می‌کنند و همچنین از لحاظ هیجانی خود را تمایز یافته‌تر ارزیابی می‌نمایند. در خانواده‌هایی که حمایت اجتماعی لازم در کودکی از سوی پدر و مادر وجود ندارد، ممکن است افراد در بزرگسالی به خواسته‌های دیگران بیش‌از حد اهمیت دهند و نیازهای خود را نادیده بگیرند و معیارهای سرسختانه و عیب‌جویی در آن‌ها رشد یابد.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که زنان جداشده در ابعاد روان‌بندهای ناسازگار؛ شرم، وابستگی، خودکنترلی و معیارهای سرسختی کمتری را دارا می‌باشند ولی در متغیر کلی روان‌بندهای ناسازگار نخستین تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردیده است. از عوامل فرعی و پس‌زمینه‌ای افزون بر شخصیت، می‌توان به وجود روان‌بندهای ناسازگار نخستین و عدم حمایت درخور اشاره نمود که مایه آسان کردن جدایی و بازدارنده سازگاری با دیگر اعضای خانواده می‌گردد. همچنین گذشته ناخواسته و تجربه‌های تلخ زندگی زنان مانند بی‌اعتمادی به نزدیک‌ترین خویشان، ره‌اشدگی،

مورد سوءاستفاده نهاده شدن و احساس ناهمساز بودن با دیگران، روان بنه‌هایی مانند محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بد رفتاری، کاستی/ شرم، شکست و انزوای اجتماعی/ بیگانگی را در آن‌ها شکل داده است. هنگامی که روان بنه‌های ناسازگار نخستین فعال می‌شوند، سطوحی از هیجان منتشر شده و سرراست یا غیرمستقیم منجر به اشکال گوناگونی از آشفتگی‌ها و تعارضات میان فردی می‌برخی، برخی پژوهش‌های حوزه زناشویی نیز نشان داده‌اند که روان بنه‌های ناسازگار نخستین پیش‌بینی کنندگان نیرومندی برای ناسازگاری‌ها و جدایی هستند (جاناتیا، آگاهن بزرگی، آگاه هریس، ۱۳۹۳).

با توجه به این که در مؤلفه گریز هیجانی از متغیر تمایز یافتگی میان زنان متأهل و جدادیده تفاوت معنی‌دار وجود دارد در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که افزایش تمایز یافتگی خود به فرد کمک می‌کند در موقعیت‌های گوناگون مهار موفقی داشته باشد و توانایی بیشتر در کسب جایگاه من در ارتباطات میان فردی، همراه با واکنش‌پذیری هیجانی افزون بر اینکه نشانه سطح بالای مهار موفق هستند، تضمین‌کننده بهبود سطح کیفیت زندگی هم می‌باشند. از دیدگاه بوئن تمایز یافتگی به فرد کمک می‌کند راه خود را ترسیم کند بدون آنکه همیشه از رهنمودهای دیگران پیروی نماید. افراد کمتر تمایز یافته از لحاظ هیجانی، بسیار واکنش‌پذیرند، باورهای تعریف‌شده‌ای برای خود ندارند. به‌شدت به حمایت دیگران نیازمندند، توانا به ساختن مرزها و حریم‌های شخصی سالم در پیوندهایشان نیستند به همین دلیل از ترس آشفتگی‌های برآمده از هم آمیختگی با دیگران و پیامدهای آن از برپایی ارتباط دوستانه و نزدیک شدن به دیگران گریزان‌اند و آماده مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند. زنان جدادیده به دلیل اینکه سطوح پایینی از تمایز یافتگی را دارند، برای کسب خوشنودی دیگران رفتار و باورهای خود را تغییر می‌دهند و هیجان‌ات و تأثیرپذیری از محیط در آن‌ها غالب است و اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و آن را در روابطشان نیز وارد می‌کنند افراد کمتر تمایز یافته، بیشتر انرژی‌شان را متوجه تجربه کردن و شدت بخشیدن به احساساتشان می‌سازند. آن‌ها در یک دنیای هیجانی به دام افتاده‌اند و در روابط نزدیکشان بیش از اندازه درگیر یا آمیخته با دیگران هستند و به‌جای در میان گذاشتن ارزش‌ها و دیدگاه‌های راستین، خود دروغین را بروز می‌دهند.

با در نظر گرفتن نتایج پژوهش حاضر ضروری است در باز توانی و آماده‌سازی زنان جداشده برای ورود به جامعه باید به مؤلفه‌های روان‌شناختی یادشده توجه کرد. روشن است که عدم حمایت‌های اجتماعی و عاطفی از آن‌ها سبب می‌شود به سمت رفتارهای نابهنجار سوق داده شوند، یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش حاضر و پژوهش‌های همانند می‌تواند توسط کارآزمودگان گستره‌های مشاوره، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و کارگزاران بهزیستی جهت کمک به این گروه به کار گرفته شود. همچنین از راه برپایی کارگاه‌هایی در زمینه پیامدهای آسیب‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان جداشده اطلاع‌رسانی کرد. در چنین کارگاه‌های آموزشی، به‌منظور ایفای نقش مناسب در بالا رفتن حمایت اجتماعی زنان جداشده و رشد درست طرح‌واره‌های آن‌ها می‌توان از مشاوران و روان‌درمانگران برای درمان اختلالات روانی این زنان با توجه به طرح‌واره‌های ناسازگار نخستین آنان استفاده شود. بی‌گمان پژوهش حاضر در محدوده خاصی انجام شده است و امکان مهار تمامی متغیرها مداخله‌گر در موقعیت پژوهش به دلیل گستردگی این متغیرها وجود نداشت. پس قابلیت تعمیم آن به تمامی افراد کاهش می‌یابد. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها بر پایه پرسشنامه ابزار خود گزارش دهی و نمونه‌گیری در دسترس بوده است، که این گونه فرایند جمع‌آوری داده‌ها ممکن است منشأ سوگیری تک‌بعدی قرار گیرد. باین‌حال در پژوهش حاضر این شیوه تنها ابزار گردآوری داده بود. پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهش‌های جامع‌تر در نمونه‌های گسترده‌تر و با متغیرهای دیگر روی نمونه موردنظر صورت گیرد. سپاسگزاری. در پایان از کلیه شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر با ما همکاری کرده و در تکمیل پرسشنامه‌ها وقت گذاشته و دقت لازم را به عمل آوردند و همچنین کارکنان کلینیک خدمات روان‌شناختی «اوج» شهر گرگان تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع

آهی، قاسم. (۱۳۸۵). *هنجار‌یابی نسخه کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ*. پایا نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- پیوسته گر، مهرانگیز؛ خسروی، زهره؛ کرمی، الهه. (۱۳۹۵). رابطه روان بنه‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دل‌بستگی با خشونت مردان علیه همسران خود. *مطالعات روان‌شناختی*، (۱۲)، ۱، ۱۲-۲۵.
- تمنائی فر، محمدرضا؛ لیث، حکیمه؛ منصوری نیک، اعظم. (۱۳۹۲). رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده با خودکارآمدی در دانش آموزان، *مجله روانشناسی اجتماعی*، (۲)، ۲۸، ۳۹-۳۱.
- جمشیدی، مژگان؛ سرو قد، سیروس. (۱۳۹۴). نقش میانجی سبک‌های هویت در رابطه بین تمایز یافتگی خود و اعتیاد به اینترنت دانش آموزان دبیرستان‌های غیردولتی. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، (۶)، ۲۰، ۳۷-۵۴.
- جهان بخشی، زهرا؛ کلانترکوشه، سید محمد. (۱۳۹۱). رابطه ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، (۲)، ۲، ۲۳۴-۲۵۴.
- حامدی، رباب؛ خسروی، زهره؛ پیوسته گر، مهرانگیز؛ درویزه، زهرا؛ خدابخش، روشنگر؛ صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی تمایز یافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر هم‌جنس در دانشجویان مجرد. *مطالعات روان‌شناختی*، (۸)، ۴، ۵۷-۷۱.
- حسینی حاجی بکنده، سید احمد؛ تقی پور، ملیحه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، (۳)، ۷، ۱۵۰-۱۴۰.
- رستمی، رضا؛ شاه‌محمدی، خدیجه؛ قائدی، غلامحسین؛ بشارت، محمدعلی؛ اکبری زرد خانه، سعید؛ نصرت‌آبادی، مسعود. (۱۳۸۹). رابطه خودکارآمدی با هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در دانشجویان دانشگاه تهران، *فصلنامه افق دانش*، (۱۶)، ۳، ۵۴-۴۶.
- سلیمی، عظیمه؛ جوکار، بهرام؛ نیک پور، روشنگر. (۱۳۸۸). ارتباطات اینترنتی در زندگی: بررسی نقش ادراک حمایت اجتماعی و احساس تنهایی در استفاده از اینترنت، *مطالعات روان‌شناختی*، (۵)، ۳، ۸۱-۱۰۲.
- شهامت، فاطمه. (۱۳۸۹). پیش‌بینی نشانه‌های سلامت عمومی (جسمانی سازی، اضطراب و افسردگی) بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *پژوهش‌های نوین روانشناسی*، (۵)، ۲۰، ۱۰۷-۱۲۷.
- شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ رضوانی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، (۲)، ۲، ۲۵۴-۲۳۹.

طالبی، مریم؛ غباری بناب، باقر. (۱۳۹۱). تعیین تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران). زن و مطالعات خانواده، (۵)، ۱۸، ۱۵-۳۷.

کریمی زارچی، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و صفات شخصیتی خوشه B. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

محسنیان، محمد؛ کرملو، سمیرا؛ گنجوی، آناهیتا. (۱۳۸۶). رابطه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق، فصلنامه خانواده‌پژوهی، (۳)، ۱۲، ۸۲۷-۸۳۷.

منصوری جلیلیان، افسانه؛ یزدان بخش، کامران. (۱۳۹۳). پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد مخدر بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی در دانشجویان، فصلنامه اعتیاد پژوهی، (۸)، ۳۲، ۶۲-۵۲.

منجم؛ عارفه؛ آقا یوسفی، علیرضا؛ زارع، حسین. (۱۳۹۲). مقایسه حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزند پروری و تله‌های زندگی زنان جدا شده با عادی. مجله علوم رفتاری. ۷ (۲): ۱۱-۱۲.

نجف لویی، فاطمه. (۱۳۸۵). نقش «تمایز خود» در روابط زناشویی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲ (۳)-۲۷۴-۳۷.

یوسفی نژاد شیروانی، مائده؛ پیوسته گر، مهرانگیز. (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان. نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، (۲) ۱۲، ۶۵-۵۵.

References

- Jankowski, P. J., & Sandage, S. J. (2011). *Spiritual dwelling and well-being: Mediator effects of differentiation of self in a sample of distressed adults. Mental Health, Religion, and Culture*, Advance online publication.
- Khater, M. EL., Gilany, H., EL-Belsha, M., Abdel- Moneim, A. (2011). Reliability of the Arabic version of the Young Schema Questionnaire short-form among orphanage residents, *J Psychiatr Alzheimer*, 2(1): 3- 7.
- Landman-Peters, K. and et al., (2005). Gender differences in the relation between social support, problems in parent- offspring communication, and depression and anxiety, *Social Sciences & Medicine*, 60 (25): 49- 59.

- Leung, J., Pachana, N. A., McLaughlin, D. (2014). Social support and health-related quality of life in women with breast cancer: a longitudinal study. *Psycho-Oncology*, 23 (9): 1014– 1020
- Meteyard, J. D., Andersen, K.L., & Marx, E. (2011). Exploring the Relationship between Differentiation of self and Religious Questing in students from Two Faith based Colleges. *Pastoral Psychol*. DOI: 1301337/s11383-311- 3431-4.
- Sandage, S. J., & Jankowski, P. J. (2010). Forgiveness, spiritual instability, mental health symptoms, and well-being: Mediator effects of differentiation of self, *Psychology of Religion and Spirituality*, 2, 168–180.
- Tezel, F. K., Kislak, S. T., Boysan, M. (2015). Relationships between childhood traumatic experiences, early maladaptive schemas and interpersonal styles. *Arch Neuropsychiatr*, 10 (16): 264- 291.
- Wang, E. A., Halvorsen, M., Eisemann, M., Waterloo, K. (2010). Stability of dysfunctional attitudes and early maladaptive schemas: A 9-year follow-up study of clinically depressed subject,. *J Behav Ther Exp Psychiatry*, 41(2): 389-96.
- Young-Ok, J., Hyo-Sook, Oh. (2016). The Effects of Social support, Self-efficacy and Perceived health status on Aging anxiety of the Middle-aged women, *Journal of Korean Public Health Nursing*, 30 (1): 30-41.
- Zafiropoulou, M., Avagianou, P. A., Vassiliadou, S. (2014). Parental bonding and early maladaptive schemas, *J Psychol Abnorm Children*, 3(1):1-6.
- Zimet, G. D., Dahlem, N. W., Zimet, S. G., & Farley, G. K. (1988). The Multidimensional Scale of Perceived Social Support. *Journal of Personality Assessment*, 52: 30–41.

References (In Persian)

- Ahi, Q (2006). *Standardization of the Young Schema Questionnaire short version. MA in Psychology, Tehran, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University.*
- Hosseini Haji Bakdadeh, S. A., Taghipour, M. (2016). The Effect of Social Support on Social Health of Female Heads of a Household, *Social Research*, 3 (7): 139- 158.
- peivastegar, M. Khosravi, Z. Karami, E. (2016). Primary maladaptive psychological relationship and attachment styles to male violence against their wives. *Psychological studies*, 12 (1): 12- 25.
- Tamanayefar, M R. Laith, H. Mansouri Nik, A. (2013). The Relationship of Perceived Social Support with Self-efficacy in Students, *Journal of Social Psychology*, 2 (28): 39- 31.
- Jamshidi, M. Sarvghad, S. (2015). The role of mediator of identity styles in the relationship between self-differentiation and Internet addiction among high

- school students in nursing. *Quarterly Journal of Methods and Psychological Models*, (6), 20, 37-54.
- Gahanbakhshi, Z. Kalantrukushe, S M. (2012). The relationship between the dimensions of early maladaptive psychosis and differentiation with the desire for marriage in female students and university students, *journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 2 (2): 234-254.
- Hamedi, R. Khosravi, V. Peivastegar, M. Darvizadeh, Z. Khadabakhsh, R, Sarrami, Gh. (2012). Study of self-differentiation and quality of relationship with non-sex in single students. *Psychological studies*, 8 (4): 57-71.
- Hosseini Haji Bokande, S A. Taghipour, M. (2010). The effect of social support on social health of female headed households, *Journal of Social Research*, 3 (7): 150- 140.
- Rostami, R. Shah Mohammadi, Kh; Ghaedi; Gh; Besharat; M A; Akbari Zard khaneh, S. Nosrat Abadi, M. (2010). The relationship between self-efficacy with emotional intelligence and perceived social support in students of Tehran University, *Afqan Danes Quarterly Journal*, 16 (3): 54- 46.
- Salimi, A; Jokar, B; Nikpour, R. (2009). Internet communication in life: the role of perceived social support and loneliness in the use of the Internet, *psychological studies*, 5 (3): 102- 81.
- Shahamat, F. (2010). Prognosis of general health symptoms (physicalization, anxiety and depression) based on early maladaptive psychosis, *Recent research on psychology*, 5 (20): 107-127.
- Shahamat, F. Sabeti, A. Rezvani, S. (2010). Relationship between parenting styles and early maladaptive schemas, *Educational Studies and Psychology*, 2 (2): 254- 239.
- Talebi, M. Ghobari Bonab, B. (2012). Determining self-differentiation, emotional intelligence and marital satisfaction at counseling centers in Shahrood, *Woman and Family Studies*, (5), 18, 15- 37.
- Karimi Zarchi, M. (2011). *An Investigation of the Mediating Role of Primary Maladaptive Mummies between Perceived Parenting Styles and Cluster Personality Traits*, BM. Thesis, Allameh Tabatabaei University.
- Mohsenian, M. Karamloo, S. Ganjavi, A. (2011). The relationship between self-differentiation and emotional intelligence in divorce applicants, *Quarterly Journal of Family Research*, 3 (12): 827- 837.
- Mansoori J. Afsaneh, Yazdan Bakhsh. (2014). Prognosis of Drug abuse tendency based on premature maladaptive schemas and perfectionism in students, *Drug addiction study journal Quarterly*, (8), 32: 52-62.

- Monajem, A.Aqa Yousefi, A.Zare, H. (2013). Comparison of primary maladaptive domains and parenting styles and life traps of women separated from normal, *Journal of Behavioral Sciences*, 7 (2): 11-12.
- Najaflooyi, F. (2008). The role of "self-differentiation" in marital relationships, *New Ideas in Education*, 2 (3): 27- 37.
- Yousefi Nejad Shirvani, M. Peivastegar, M; (2011). Relationship between the satisfaction of life and mental disadvantages in students, *Journal of Knowledge and Practice in Applied Psychology*, 2 (12): 65- 55.

